

۱۴۳۱۱ ۸۵

زندگانی حضرت امام حسین (ع)

کاروان عشق

همراه باد استانی پند آلود

مولف: فاطمه دهلرودی

فهرست

۷	 ماه
۹	 پیدایش افتخار
۱۱	 فصل اول: بیان احوال معلولین
۲۱	 فصل دوم: حسین (ع) پاره تن پیامبر
۲۳	 کیفیت ولادت امام حسین (ع)
۲۷	 عشق پیامبر (ص) به حسن و حسین
۳۱	 قداست امام حسین (ع)
۳۴	 (ملکی بنام فطرُس)
۳۶	 بیماری حضرت زهرا (س)
۳۷	 ورود شیطان سر راه امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)
۴۲	 فصل سوم: قهر
۵۰	 فصل چهارم: اولاد امام حسین علیه السلام
۵۱	 اخلاق و رفتار امام حسین (ع)
۵۳	 گفتار پیامبران در مورد امام حسین (ع)
۵۳	 نوح (علیه السلام)
۵۶	 برتری امت محمد (ص)
۵۸	 سخنی ارزشمند از حضرت مهدی (ع)
۶۰	 دعایی که از جانب پروردگار رد نمی شود

- ۶۲ در سهای زندگی و پند و اندرزهای امام حسین (ع)
- ۶۳ خاک کربلا
- ۶۵ چه کسانی در عالم بیشتر گریه کرده اند
- ۶۶ پاداش گریه بر حسین (ع)
- ۶۸ چرا روز عاشورا روزه نگیریم؟
- ۶۹ امام حسین (ع) با برادر
- ۷۰ امام حسین (ع) در زمان معاویه
- ۷۰ صبح زیارت امام حسین (ع)
- ۷۲ فصل نهم: غمی بزرگ
- ۸۴ فصل دهم: حسین (ع) با پدر
- ۸۵ یک پند از امام حسین (ع)
- ۸۶ خواب ام سلمه
- ۸۸ مقدمه ای قبل از عاشورا
- ۹۴ احادیثی ذکر شده از زمان قبل از عاشورا
- ۹۷ خواب شبیه به معجزه
- ۱۰۲ بعد از شهادت مسلم
- ۱۰۸ عمر بن سعد یکی از ملعونان تاریخ اسلام
- ۱۱۴ فصل هفتم: خواستگاری
- ۱۲۴ فصل هشتم: مقتل الحسین
- ۱۲۹ پشیمانی حر در آخرین لحظات
- ۱۳۱ شهادت علی اکبر
- ۱۳۳ شهادت عباس (ع) سردار اردوگاه نور

درس آزادگی در میدان کارزار.....	۱۴۳
فصل نهم.....	۱۵۰
فصل دهم: سر مقدس امام حسین (ع).....	۱۵۸
غارت خیمه ها.....	۱۵۹
غالبه زینب کبری سلام الله علیها در مجلس یزید.....	۱۶۲
مخبر متقیمی سخت.....	۱۶۴
حسین (ع) عشق در عاشقی.....	۱۶۷
نوحه ناطقه (س) در عزای عزیزش حسین (ع).....	۱۷۱
تعداد شهدای اهل بیت امام حسین (ع).....	۱۷۴
(رجوع اهل بیت به مدینه).....	۱۷۵
ویرانی قبر امام حسین (ع).....	۱۸۱
فصل یازدهم: لطف خدا.....	۱۹۰
فهرست منابعی که از آنها استفاده شده.....	۲۰۴

مقدمه

به دل گفتم چرا غمینی گفت گویی ندای عزایی در زمین و آسمان
 می شنوم. به فرات گفتم چرا غصه داری گفت چون قدح سبکینه و
 ناله از آب خالی ماند و چشمانشان در حسرت دیدار عمو خشک
 شد. به دایه گفتم چرا خود را به ساحل می کویی گفت از تشنگی
 شش ماهه سرم دارم. به همین خاطر به صخره‌ای سخت می کوبم
 شاید این دریا از آله طش را از یادم ببرد. به خورشید گفتم چرا
 رنگت زرد شد گفت از خونهای به زمین ریخته‌ی دهم محرم نورم
 دلسرد می‌تابد. به آسمان گفتم چرا غمگینی و صدای وا غریبایت
 شنیده می‌شود گفت چون صدای سحر را (س) را من و کروبیان و
 عرشیان شنیدیم اما روی سینه‌اش مثل لعین نشیند. به نی گفتم چرا
 قامت خمیده گفت باری که بدوش داره ناقصت مرا از روی سه
 ساله‌ای شرمگین می‌کند که چگونه از دست زحمت و زحمت به من پناه
 آورد و من فقط تماشايش کردم اما همان دم شنیدم صوت قرآن را از
 سر بریده و دیدم اشک شوق را در دیده‌ی اشکبار خردی رنج
 کشیده. به ذوالجناح گفتم چه دیدی گفت برای حسین رستم اما
 برای خودم شرم که چرا نتوانستم سپری باشم در برابر آن همه سیر و
 نیزه. به رباب گفتم چرا آب نمی‌نوشی گفت وقتی شیر از سینه‌ام روان
 می‌شود به خاطر آن نازدانه کودکم خجلم. به عباس (ع) گفتم چرا به
 نخیمه‌ها نگاه نمی‌کنی گفت طاقت ناامیدی چشمان منتظر تشنگان

خیمه را ندارم، اینک سیر آب می شوم از خونم که چرا چشم افتاد به
آبی که نصیب لبهای خشک سکینه نشد. به خدا گفتم چرا اینچنین شد
و کی پاسخ این همه بی عدالتی را خواهی گرفت فرمود: خواهد آمد
روزی که مهدیم بیابد و جواب همه‌ی سوال‌هایت را خواهد داد.
روزی که شنیدی ندای انالمهدی را بدان که منتقم همه‌ی خونهای به
زمین ریخته آمده تا دل‌ها را شاد و حق رقیه را از نااهلانی که سبلی
زدن برایشان راحت‌ترین کار بود بگیرد. پس به آن غائب پنهان از نظر
گفتم دای عشق، ای تنها امید خیمه‌های سوخته بیا و جهان را از بی
عدالتی پاک کن و دل‌هایمان را برای لختی هم که شده شاد کن
..... آمین یا رب العالمین.